

از گوشه و کنار

درباره ارومیه خشک شد
از نقشه حذف شد



نماینده ارومیه در مورد حذف دریاچه ارومیه از نقشه موجود در کتاب فارسی دوم دبستان به وزیر آموزش و پرورش انتقاد کرد و از دریافت تذکر کتبی وزیر از مجلس خبرداد.

بعد از انتشار تصویری از کتاب فارسی دوم دبستان امسال مبنی بر وجود نداشتن دریاچه ارومیه در نقشه روی جلد که اعتراض‌هایی را در پی داشته است، هادی بهادری نماینده ارومیه به این موضوع اعتراض کرد. هادی بهادری با اشاره به حذف نقشه دریاچه ارومیه از طرح روی جلد کتاب‌های درسی اظهار داشت: این اتفاق نباید به هر دلیلی روی دهد چرا که این دریاچه در هر وضعیتی که باشد یک سرمایه بزرگ برای این کشور است. وی افزود: در این ارتباط به وزیر آموزش و پرورش تذکر جدی داده می‌شود تا این کار دوباره تکرار نشود و در صورت تکرار از وی سؤال پرسیده می‌شود. بهادری گفت: اگر حذف دریاچه ارومیه از نقشه کشور تکرار شود این کار نشان‌دهنده عدمی بودن آن است که باید بررسی‌های لازم صورت بگیرد و افراد متخلف پاسخ‌گو باشند. نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: احیای دریاچه ارومیه در اولویت نخست مسائل محیط زیستی کشور قرار دارد بنابراین باید همه تلاش کنند تا این دریاچه جانی دوباره بگیرد و دولت نیز باید حمایت‌های خود را از طرح‌های احیای آن افزایش دهد.



شوخی غیر بهداشتی
حال مردم را خوب می‌کند

این روزها، درباره شوخی تلخ وزیر بهداشت با شهروندی که از گرانی خدمات فیزیوتراپی گلایه می‌کرد، مطلب زیاد بیان شده است. اما روابط عمومی وزارت بهداشت اعلام کرده: دیدار صمیمانه با مردم فارغ از پروتکل‌های مرسوم است. این هاب‌بخشی از سفرهای وزیر بهداشت است که اغلب به مناطق محروم بوده است. روش وزیر بهداشت علاوه بر پیگیری جدی مطالبات مردم، گاهی شوخی با آن‌ها و گاهی تندی با مدیران کم کار است. مخاطب شوخی وزیر بهداشت، پیرمردی بود که از هزینه بالای فیزیوتراپی همسرش گلایه می‌کند. پاسخ‌های وزیر اما مأیوس‌کننده بود؛ پاسخ‌هایی که نه تنها در آن‌ها نشانی از حل مشکل وجود نداشت، بلکه موجب تمسخر پیرمرد هم شد.



رد پای جریانات سیاسی
در مدارس لوکس تهران



بعضی از مدارس در تهران، منتسب به انجمن‌ها، جناح‌ها و افراد خاص سیاسی هستند. آن‌هایی هم که ادعا می‌کنند کار سیاسی انجام نمی‌دهند، در بزرگ‌نگاه‌های سیاسی حضور دارند. در حوزه فرهنگی هم اثرگذار هستند و بسیاری از این مدارس سبک خاصی از زندگی را ترویج می‌کنند. مهرماه امسال، نزدیک به ۱۴ میلیون دانش‌آموز که ۷ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر آن پایه ابتدایی بودند وارد مدرسه شدند، مدرسی که به گفته بسیاری خانواده‌ها، آن رنگ و بوی «ماه مهر» را ندارد و بیشتر تبدیل به یک بنگاه مالی و اعتباری شده است. برخی رسانه‌ها نیز جدول شهر به این مدارس خاص ولو کس را منتشر کرده‌اند. به عنوان مثال یک مدرسه غیر دولتی منتسب به یکی از رجال، «برای سال جدید تحصیلی، شهریه ۳۷ میلیون تومانی تعیین کرده است.

به نظر می‌رسد ردی از رواج افتادن دانشگاه‌های غیردولتی، این تجارت راه خود را به سوی مدارس کج کرده است و باز از قابل توجه و مخاطبان خاص خود دارد. در تهران و چند شهر بزرگ دیگر به قدری هجمه گردش مالی و اقتصادی مدارس غیرانتفاعی زیاد است که برخی قوانین مثل مالیات گرفتن از این مدارس هم تحت تاثیر قرار گرفته است؛ چرا که به هرحال دریافت میلیون‌ها تومان از هر دانش‌آموز می‌تواند گردش مالی فوق‌العاده‌ای ایجاد کند.

اصلا مهم نیست که
مسئولان خانه امن، چندین
و چند گواهی کتبی داشته
باشند که نشان بدهند من
دختر خوب و پاکیزه و
سالمی هستم؛ آن‌ها دیگر
من را نمی‌خواهند. فرزند
دخترشان را که یک شب
بیرون مانده، نمی‌خواهند

اعتقاد دکتر گل‌پور، عوامل اقتصادی در چگونگی زندگی فردی و اجتماعی تاثیرگذار است. فقر و توزیع ناعادلانه ثروت، به همراه فقر فرهنگی، زمینه‌ساز رفتارهای ناپسند می‌شود. هر آدمی، به‌طور معمول به علت کشمکش درونی ناشی از محرومیت، عکس‌العمل‌هایی نشان می‌دهد، اما نکته قابل تأمل این است که محرومیت‌های اقتصادی، عکس‌العمل‌های تند و ضد اجتماعی را تحریک می‌کند زیرا فقر، ترس از مجازات را به حداقل می‌رساند و فرد محروم مسئولیت عمل ضد اجتماعی خود را متوجه بی‌سامانی اقتصادی می‌داند.

دختران فراری
تا کجا‌ها می‌روند؟

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی می‌گوید: تعدادی از این دختران، پس از فرار برای تأمین نیازهای خود، درگیر سرقت و خودفروشی شده و در همین مرحله گرفتار باند‌های فحش‌اش می‌شوند. بر همین اساس گفته می‌شود، دختران فراری، دروازه ورود جامعه به پدیده زنان خیابانی هستند. موقعیت سنی این دختران (۱۴ تا ۲۵ سال) نشان‌دهنده میزان آسیب‌پذیری، احتمال بزه‌کاری، بزه‌پذیری یا قربانی شدن در برابر سوءاستفاده‌های جنسی و دیدن سوءاستفاده‌هاست. از پیامدهای دیگر فرار دختران، می‌توان به گرفتار شدن در دام شبکه‌های قاچاق دختران و زنان جوان، تجاوز، اعتیاد به انواع مواد مخدر، ابتلا به بیماری‌هایی هم چون ایدز، ورود به باند‌های سرقت و افتادن در دور باطل بازداشت، زندان، آزادی و از سرگرفتن دوباره تن فروشی و سرقت، اشاره کرد. اما مهم‌ترین مساله در این چرخه معیوب، فراهم کردن بستر بازگشت این دختران به خانواده است که می‌تواند در کاهش آمار دختران فراری مؤثر باشد. فراهم کردن امکان بازگشت این دختران به خانواده نیازمند آموزش خانواده‌های این دختران قبل از بازگردان آن‌هاست. زیرا بسیار دیده شده، وقتی این دختران توسط نیروی انتظامی به خانواده‌ها تحویل داده می‌شوند، به جای حل موضوع از طرف خانواده، بیش از پیش مورد خشمونت قرار می‌گیرند و بدین ترتیب چرخه فرار از منزل و بازگشت به خانه و در مراحل بعد افتادن به زندان هم چنان تکرار می‌شود.

نظارت و کنترلی وجود ندارد. چنین خانواده‌ای، فاقد سرمایه اجتماعی است و نمی‌تواند به عنوان یک منبع کنترل، مانع رفتارهای تند جوانان از جمله فرار آن‌ها از خانه شود. – خانواده از هم گسیخته است. پدر یا مادر خانواده، به اثر مرگ، طلاق و جدایی، حضور ندارد. خانواده تک‌والدی معمولاً و در اکثر موارد برای تربیت فرزندان و سازگاری اجتماعی آن‌ها دچار مشکل می‌شود. در چنین خانواده‌ای فرد با احساس ناکامی و محرومیت، کمبود محبت و خلأ واکنش عاطفی مواجه است و احتمال اختلال در هویت خانوادگی وجود دارد. همین مورد یکی از دلایل فرار از خانه است.

مشکلات اجتماعی هم
مهم هستند

هر چه قدر میزان گذران جوان با گروه‌های سنی خود که خلأ فکری در میان آن‌ها رواج دارد، بیشتر باشد، فرد بیشتر با آن‌ها هم‌رنگ و همانند می‌شود و برای کسب احترام در گروه، به رفتارهای خودنمایانه نظیر فرار از خانه، اقدام می‌کند. دکتر محسن گل‌پور، جامعه‌شناس، چنین ادامه می‌دهد: نوجوانی که در گروه‌های نابال پذیرفته می‌شود، ارزش‌های ناهنجار گروه مانند روش‌های مقابله و برخورد با بیکن و تکن‌های والدین، و به کرسی نشاندن خواسته‌ها و تمایلات خود را می‌آموزد و آن‌ها را درونی می‌کند. در این گروه‌ها، رفتار ناپسند به تنه‌های است که حتی ارزش‌های مدرن محسوب می‌شود در مقابل ارزش‌ها و نگرش‌های منسوخ والدین ابراساس تحقیقات ۷۹ درصد جوانان با دوستان خود همانندسازی می‌کنند.

محسن گل‌پور معتقد است که شهرنشینی موجب گمنامی و ناشناخته بودن در جمعیت میلیونی و کاهش نظارت رسمی و غیررسمی می‌شود. و امکان دور ماندن از چنگال قانون و عدم شناسایی دقیق متخلفین، فرصت ارتکاب جرائم و رفتارهای ضد اجتماعی را فراهم می‌کند. جاذبه شهرهای بزرگ، رفاه، تحصیلات شهری و امکانات مادی، انگیزه در اختیار داشتن آن‌ها و زندگی در این محیط را مضاعف می‌کند و سیل عظیم جمعیت با هدف یافتن شغل و دستمزدی به امکانات بهتر و بیشتر، مهاجرت می‌کنند و شهرهای بزرگ را با خرد فرهنگ‌های مختلف در هم می‌آمیزند. این در هم آمیزی فرهنگی، پایبندی به آداب و رسوم را کاهش می‌دهد و آزادی عمل فرد بیشتر می‌شود. گاهی همین سرباز زندگی مرفه شهری و آزادی عمل، دختران را آغوش خانواده به سوی شهرها می‌کشاند.

در این میان البته نباید مشکلات اقتصادی را از نظر دور داشت. مشکلاتی که در چند سال اخیر، به‌طور فزاینده‌ای خانواده‌ها را تحت تاثیر قرار داده‌اند به

نظارت و کنترلی وجود ندارد. چنین خانواده‌ای، فاقد سرمایه اجتماعی است و نمی‌تواند به عنوان یک منبع کنترل، مانع رفتارهای تند جوانان از جمله فرار آن‌ها از خانه شود. – خانواده از هم گسیخته است. پدر یا مادر خانواده، به اثر مرگ، طلاق و جدایی، حضور ندارد. خانواده تک‌والدی معمولاً و در اکثر موارد برای تربیت فرزندان و سازگاری اجتماعی آن‌ها دچار مشکل می‌شود. در چنین خانواده‌ای فرد با احساس ناکامی و محرومیت، کمبود محبت و خلأ واکنش عاطفی مواجه است و احتمال اختلال در هویت خانوادگی وجود دارد. همین مورد یکی از دلایل فرار از خانه است.

نظارت و کنترلی وجود ندارد. چنین خانواده‌ای، فاقد سرمایه اجتماعی است و نمی‌تواند به عنوان یک منبع کنترل، مانع رفتارهای تند جوانان از جمله فرار آن‌ها از خانه شود. – خانواده از هم گسیخته است. پدر یا مادر خانواده، به اثر مرگ، طلاق و جدایی، حضور ندارد. خانواده تک‌والدی معمولاً و در اکثر موارد برای تربیت فرزندان و سازگاری اجتماعی آن‌ها دچار مشکل می‌شود. در چنین خانواده‌ای فرد با احساس ناکامی و محرومیت، کمبود محبت و خلأ واکنش عاطفی مواجه است و احتمال اختلال در هویت خانوادگی وجود دارد. همین مورد یکی از دلایل فرار از خانه است.

مشکلات اجتماعی هم
مهم هستند

هر چه قدر میزان گذران جوان با گروه‌های سنی خود که خلأ فکری در میان آن‌ها رواج دارد، بیشتر باشد، فرد بیشتر با آن‌ها هم‌رنگ و همانند می‌شود و برای کسب احترام در گروه، به رفتارهای خودنمایانه نظیر فرار از خانه، اقدام می‌کند. دکتر محسن گل‌پور، جامعه‌شناس، چنین ادامه می‌دهد: نوجوانی که در گروه‌های نابال پذیرفته می‌شود، ارزش‌های ناهنجار گروه مانند روش‌های مقابله و برخورد با بیکن و تکن‌های والدین، و به کرسی نشاندن خواسته‌ها و تمایلات خود را می‌آموزد و آن‌ها را درونی می‌کند. در این گروه‌ها، رفتار ناپسند به تنه‌های است که حتی ارزش‌های مدرن محسوب می‌شود در مقابل ارزش‌ها و نگرش‌های منسوخ والدین ابراساس تحقیقات ۷۹ درصد جوانان با دوستان خود همانندسازی می‌کنند.

محسن گل‌پور معتقد است که شهرنشینی موجب گمنامی و ناشناخته بودن در جمعیت میلیونی و کاهش نظارت رسمی و غیررسمی می‌شود. و امکان دور ماندن از چنگال قانون و عدم شناسایی دقیق متخلفین، فرصت ارتکاب جرائم و رفتارهای ضد اجتماعی را فراهم می‌کند. جاذبه شهرهای بزرگ، رفاه، تحصیلات شهری و امکانات مادی، انگیزه در اختیار داشتن آن‌ها و زندگی در این محیط را مضاعف می‌کند و سیل عظیم جمعیت با هدف یافتن شغل و دستمزدی به امکانات بهتر و بیشتر، مهاجرت می‌کنند و شهرهای بزرگ را با خرد فرهنگ‌های مختلف در هم می‌آمیزند. این در هم آمیزی فرهنگی، پایبندی به آداب و رسوم را کاهش می‌دهد و آزادی عمل فرد بیشتر می‌شود. گاهی همین سرباز زندگی مرفه شهری و آزادی عمل، دختران را آغوش خانواده به سوی شهرها می‌کشاند.

در این میان البته نباید مشکلات اقتصادی را از نظر دور داشت. مشکلاتی که در چند سال اخیر، به‌طور فزاینده‌ای خانواده‌ها را تحت تاثیر قرار داده‌اند به

معمولاً آمار می‌شود، تنها تعداد مراجعه‌کنندگان به اورژانس اجتماعی را نشان می‌دهد. برای همین نمی‌تواند شامل همه دختران فراری باشد. چون برخی اصلاً به اورژانس اجتماعی مراجعه نمی‌کنند یا اورژانس نمی‌تواند آن‌ها را شناسایی کند. همچنین همه دختران به خیابان کشیده نمی‌شوند و ممکن است از پیش درگیر ماجراهایی شده باشند و برای بعد از فرارشان برنامه‌ریزی کرده باشند. بنابراین می‌توان گفت که تعداد دختران فراری از تعدادی که رسماً اعلام می‌شود بیشتر است.



فراری از تعدادی که رسماً اعلام می‌شود بیشتر است.

چرا دختران فراری می‌کنند؟

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی، درباره دلایل فرار دختران می‌گوید: «این آسیب اجتماعی را نمی‌توان تک‌عاملی دانست و باید گفت این اتفاق دلایل گوناگونی دارد. اما عمده دلیل فرار دختران به بی‌سروسامان بودن خانواده‌ها بازمی‌گردد. این ناهماهنگی می‌تواند به دلیل طلاق، اعتیاد، بزه‌کاری و... باشد. حتی ممکن است برخی از این افراد سرپرست خود را از دست داده باشند یا دچار شکست‌هایی در زندگی شده باشند و نتوانند به‌خاطر آن شکست، فشار خانوادگی را تحمل کنند و ترجیح می‌دهند خانه را ترک کنند. البته برخی هم هستند که خودشان گرفتار اعتیاد و مشکلات اخلاقی هستند که باعث می‌شود از سوی خانواده طرد شوند. دخترانی هم هستند که مهارت تصمیم‌گیری ندارند و از روی کنج‌کاوی می‌خواهند زندگی بیرون از خانه تجربه کنند یا به دنبال استقلال هستند و سعی می‌کنند با فرار به این استقلال برسند.

خانواده، یک عامل مهم
در فرار دختران

دکتر مصطفوی، روان‌شناس، علت اصلی فرار دختران را ناسازگاری والدین می‌داند و معتقد است طبق بررسی‌هایی که انجام شده ۱۹٫۵ درصد ناسازگاری با والدین، ۱۶ درصد اغفال، ۱۲ درصد عدم امنیت در خانواده، ۱۵ درصد وضعیت اقتصادی، ۱۲٫۵ درصد طلاق، ۷ درصد گرایش به مسائل انحرافی، ۲٫۵ درصد ازدواج‌های ناموفق، ۲٫۳ درصد اعتیاد

۱۲۳، یک هزار و ۷۲۷ مورد، خدمات سیار ۵۱۵ مورد و در نهایت از طریق مرکز مداخله در بحران نیز ۱۴۴ مورد «دختر فراری» پذیرش شده‌اند. این آمار، مربوط به سال گذشته است و به نظر می‌رسد با توجه به آمار رسمی و غیر رسمی، فرار دختران از خانه، افزایش یافته است. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، سالانه بیش از یک میلیون نوجوان ۱۳ تا ۱۹ ساله از خانه فرار می‌کنند که ۶۰ تا ۷۰ درصد این افراد، دختر و ۴۰ درصد پسر هستند. دخترانی که از خانه فراری می‌کنند معمولاً در گروه سنی ۱۴ تا ۲۵ سال قرار دارند.

حسین اسدی‌بیگی، رئیس اورژانس اجتماعی تهران، ابتدا آمار دختران فراری را در ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۶ هزار نفر اعلام کرد اما در خبرهای بعدی این آمار را تکذیب کرد و گفت که در این مدت ۶۴۴ دختر که از خانه فرار کرده بودند، به بهزیستی ارجاع داده شدند. سید حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی و مشاور رئیس سازمان بهزیستی درباره این آمارها می‌گوید: «معمولاً آمار می‌شود، تنها تعداد مراجعه‌کنندگان به اورژانس اجتماعی را نشان می‌دهد. برای همین نمی‌تواند شامل همه دختران فراری باشد. چون برخی اصلاً به اورژانس اجتماعی مراجعه نمی‌کنند یا اورژانس نمی‌تواند آن‌ها را شناسایی کند. همچنین همه دختران به خیابان کشیده نمی‌شوند و ممکن است از پیش درگیر ماجراهایی شده باشند و برای بعد از فرارشان برنامه‌ریزی کرده باشند. بنابراین می‌توان گفت که تعداد دختران

آذر فخری، روزنامه‌نگار

این دختر، که بهی خیال به دیوار حیاط خانه امن تکیه زده، می‌گوید هر کاری که مددکارها برای برگرداندن او بکنند، بی‌فایده است. می‌گوید مگر من خودم دوست داشتم از خانه فرار کنم؟ خوب حتماً مشکلی داشتم که پانمی‌شد حل کرد یا بلد نبودیم حل کنیم. اما هیچ کدام از این‌ها مهم نیست؛ مهم این است که تو تا وقتی دختر عزیز در دانه خانواده‌ای که حرف گوش کن و مطیع باشی و اشتباه نکنی. برای من دختر، در خانه‌ای که زندگی می‌کردم، اشتباه یعنی: برو برو... به هر جایی که دوست داری. بالاخره من هم آدم بیرون. اما خوب نتوانستم به جایی که دوست دارم بروم. به جاهای بدر فتم. چون وقتی یک دختر تنهایی و شب در خیابان پرسه می‌زنی، اولین چیزی که به فکر مردم می‌رسد این است که این دختر سالم نیست و یک جای کارش می‌لنگد. این فکر مردم کوچه و خیابان را می‌شود تحمل کرد. مصیبت از وقتی شروع می‌شود که من، به عنوان دختر فراری، پاک و سالم به خانواده‌ام تحویل داده می‌شوم اما آن‌ها دیگر من را نمی‌خواهند. اصلاً مهم نیست که مسئولان خانه امن، چندین و چند گواهی کتبی داشته باشند که نشان بدهد من دختر خوب و پاکیزه و سالمی هستم؛ آن‌ها دیگر من را نمی‌خواهند. فرزند دخترشان را که یک شب بیرون مانده، نمی‌خواهند!

از آمارها شروع کنیم

در ۶ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۶ از طریق مرکز مداخله در بحران ۶۴۴ مورد، خط

یادداشت

ضرورت بهره‌مندی از خدمات روانشناختی

فائزه ناصح، دکترای روان‌شناسی عمومی

بنابر گزارش سازمان نظام روان‌شناسی حدود ۱۰ درصد از دانش‌آموزان یعنی ۱٫۵ میلیون نفر از دلبندان جامعه نیاز جدی به خدمات روان‌شناختی دارند؛ اهمیت این مساله زمانی بحران‌ساز می‌شود که سازمان‌های ذی‌ربط از جمله وزارت آموزش و پرورش و همچنین نهادهای خرد همچون مدرسه، خانواده و والدین هیچ اقدام و برنامه‌ریزی جدی برای بهبود سلامت روان کودکان و نوجوانان این مرزوبوم انجام ندهند. براین اساس روان‌شناسان معتقدند بدلیل حساسیت‌های مربوط به دوره‌های رشدی – تحولی، کودکان و نوجوانان برای ابتلا به انواع اختلالات روانی نسبت به سایر افراد جامعه آسیب‌پذیرتر هستند و اگر مشکلات و مسائل روان‌شناختی، رفتاری و هیجانی این عزیزان در همان سن خودشان ارزیابی و بررسی نشود، قطعاً ممکن است در آینده با بیماری‌های جدی‌تری تبدیل شود و پیروسه درمان را با مشکلات

و ناراحتی‌های بسیاری مواجه کند.

باتوجه به تحقیقات و پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آسیب‌شناسی مشخص شده شایع‌ترین نوع اختلال در میان کودکان و نوجوانان اختلال «افزایش مقابله‌ای» و «بیش‌فعالی» است؛ نکته حائز اهمیت آن است که اگر این دو اختلال در زمان بروز نشانه‌ها و علائمشان و همچنین قبل سن ۱۸ سالگی درمان و تعدیل نشوند، در دوران بزرگسالی می‌تواند به اختلالی خطرناک و غیرقابل درمان همچون «اختلال شخصیت ضد اجتماعی» تبدیل شود که امروزه هنوز در مان قطعی برای این اختلال شخصیت وجود نیامده است. پس از آنجا که دوران نوجوانی جوانی همراه با تغییرات جسمی – روانی مرحله‌ای بسیار حساس در حیات بشر بوده و شک و کنج‌کاوی در شناخت مسايل و تردید در تصمیم‌گیری از خصوصیات بارز این دوران محسوب می‌شود، لذا کودکان و نوجوانان در این سن بیش از هر زمان دیگری نیازمند بهره‌مندی از خدمات راهنمایی و مشاوره می‌باشند. باتوجه به

اینکه فرزندانمان آینده‌سازان جامعه فردای ایران خواهند بود، ضروری است خانواده‌ها، مدارس و آموزش و پرورش به منظور جلوگیری از پیشروی این دسته از اختلالات روان‌شناختی اقدامات جدی را اتخاذ کنند؛ زیرا اگر مشکل کودک یا نوجوان در همان سن خودش درمان نشود، با گذشت زمان بر شدت آن افزوده می‌شود و مزمن تر شدن آن اختلال قطعاً صدمات و لطمه‌های جبران‌ناپذیری را به همراه می‌آورد که مشکلات رفتاری، شناختی و همچنین عدم توانایی سازگاری فرد با محیط و اطرافیان جزء رایج‌ترین عوارض اختلالات نافرمانی و بیش‌فعالی محسوب می‌شود. در همین راستا و پیرو مطالب ذکر شده روان‌شناسان معتقدند از آنجایی که قرن حاضر به عنوان یکی از دوران‌های پر فشار و استرس‌یاد می‌شود، ضرورت است خانواده‌ها از خدمات مشاوره‌ای به منظور بهبود سلامت روان و عملکرد بهتر خود بهره‌برند.

البته شایان ذکر است گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرنیته مشکلات و مسايل جدید و خاص خود را پیش‌روی خانواده‌ها قرار می‌دهد و والدین به سبب درگیر شدن با مشغولیات استرس‌زای زندگی، برقراری تعامل و ارتباطات اجتماعی با اعضای خانواده را

به کل به فراموشی می‌سپارند، از اینرو روان‌شناسان به این نهاد اجتماعی کوچک تاکید می‌کنند به منظور جلوگیری از بروز آسیب‌ها و اختلالات روانی محتمل از خدمات سلامت روان حتماً استفاده کنند. چون خانواده به عنوان منبع اصلی تربیت و مشورت‌دهی به فرزندان نقش مهم و خطیری را در شکل‌دهی شخصیت آنها ایفا می‌کند و لازم است نیازهای کودکان و جوانان نسل امروز را به خوبی بشناسد تا بتواند ارتباط بهتر و مفیدتری را با آنها برقرار کند تا به این ترتیب بتوانند از بروز شکاف نسل به عنوان یکی از مسايل به شدت تخریب‌کننده جامعه مدرن بر حذر باشند. باتوجه به تمام مطالب مطرح شده از آنجایی که مقوله تربیت فرزند یکی از موضوعات بسیار مهم محسوب می‌شود لازم است والدین به منظور افزایش کیفیت امور تربیتی‌شان از مساعدت‌های متخصصین روان‌شناس بهره‌مند گردند تا بتوانند به نیازهای نسل امروز به‌طور صحیح و مطلوب پاسخ دهند. به عنوان نکته آخر توصیه می‌شود والدین با فرزندان، مربیان و معلمان مدارس ارتباط و تعاملاتی مداوم داشته باشند تا در هنگام بروز اولین مسايل یا مشکل برای فرزند عزیزشان اقدامات مناسب را برای حل و درمان آن اتخاذ کنند.